

عنوان:
خوداشتغالی دانشجویان آموزش‌شده‌های کشاورزی استان تهران: عوامل انگیزشی و بازدارنده

نویسنده گان:

الهام فهام (مکاتبه کننده): دانشجوی دکتری آموزش کشاورزی، دانشگاه تهران
Faham, E: PhD student of Agricultural Extension and Education Department, University of Tehran
پست الکترونیکی: faham@ut.ac.ir و elham_agri@yahoo.com
تلفن همراه: ۰۹۱۲۶۴۷۴۰۱۶
آدرس: دانشگاه تهران، پردیس کشاورزی و منابع طبیعی، دانشکده اقتصاد و توسعه کشاورزی، گروه ترویج و آموزش کشاورزی.

سیدمحمود حسینی: دانشیار گروه ترویج و آموزش کشاورزی، دانشگاه تهران
Hosseini, M: Associate Professor of Agricultural Extension and Education Department, University of Tehran

امیرکیوان درویش: کارشناس ارشد ترویج منابع طبیعی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی.
Darvish, A. K: Graduate of MSc of Natural Resources Extension, Science & Research Branch, Islamic Azad University

چکیده:

تحقیق حاضر به منظور شناسایی عوامل انگیزشی و بازدارنده خوداشتغالی در میان دانشجویان آموزشکده‌های کشاورزی استان تهران انجام شده است. جهت انجام تحقیق رهیافت نیت محور در کارآفرینی استفاده شد به طوری که تمرکز تحقیق بر روی مرحله تصمیم برای ایجاد یک کسب و کار یا همان نیت کارآفرینی و کارآفرینان در حال ظهور یعنی افرادی که تصمیم به خود اشتغالی دارند، بود. جامعه آماری تحقیق شامل کلیه دانشجویان سال آخر آموزشکده‌های کشاورزی استان تهران (دماوند، پاکدشت و شهریار) در سال تحصیلی ۸۸-۱۳۸۷ به تعداد ۲۸۶ نفر بود که با استفاده از فرمول کوکران و روش نمونه‌گیری تصادفی متناسب، تعداد ۹۰ نفر به عنوان نمونه انتخاب و مورد پژوهش قرار گرفتند. نتایج تحلیل عاملی نشان داد که عوامل انگیزشی خوداشتغالی در میان نمونه مورد بررسی شامل انگیزه‌های روانشناختی و انگیزه‌های مالی - شغلی بوده که در مجموع ۴۳/۶ درصد از واریانس کل را تبیین نموده‌اند. همچنین عوامل بازدارنده خوداشتغالی شامل فقدان مهارت و سرمایه، فقدان اعتماد فردی و اجتماعی لازم و عدم پایداری شرایط جامعه بوده که ۶۰/۴ درصد از واریانس کل را تبیین نموده‌اند.

واژگان کلیدی: بیکاری، کارآفرینی، نیت کارآفرینی، خوداشتغالی.

مقدمه

رشد سریع جهانی شدن، تحولات جمعیتی، تغییرات سریع در دنیای کار و توسعه اقتصاد دانش محور، کشورهای دنیا را با چالش‌های اقتصادی - اجتماعی فراوانی مواجه کرده است. بیکاری، یکی از مهمترین این چالش‌ها نه تنها در کشورهای در حال توسعه، بلکه در بسیاری از کشورهای صنعتی و توسعه‌یافته است. در ایران نیز بخش کشاورزی، علی‌رغم استعدادهای توسعه‌ای فراوان، با چالش‌های فراوانی مواجه است که بیکاری تعداد زیادی از دانش‌آموختگان از جمله این چالش‌هاست (بستاکی، ۱۳۸۷). بنابراین در شرایط کنونی، ایجاد فرصت‌های شغلی برای بیکاران کشور به ویژه دانش‌آموختگان بیکار یکی از مهم‌ترین دغدغه سیاست‌گذاران و تصمیم‌گیران کلان کشور است. بسیاری از کشورها جهت رفع مشکل بیکاری، راهکار ترغیب و تشویق دانش‌آموختگان و دانشجویان به سوی کارآفرینی و خوداشتغالی را مورد توجه قرار داده‌اند.

کارآفرینی یکی از ضروریات هزاره جدید است، عصری که به جامعه اطلاعاتی و هنگامه جهانی شدن موسوم است و دربردارنده پیامدهای مهمی همچون فراگیری فناوری‌های نوظهور و تغییر و تحولات سریع در عرصه مبادلات بشری و رقابت شدید در عالم کسب و کار است؛ در چنین فضایی کارآفرینی به مثابه عامل رشد و توسعه در هر جامعه‌ای یاد می‌شود (Clark, 1998). از سوی دیگر موضوع دیگری نیز در ادبیات کارآفرینی وجود دارد که به نیت یا قصد کارآفرینی^۱ معروف است. کیتز و گارتنر (Katz & Gartner, 1998) نیت کارآفرینی را به عنوان جستجوی اطلاعاتی که می‌تواند برای رسیدن به هدف اشتغال‌زایی استفاده شود تعریف می‌کنند. کروگر و کارس رود (Krueger & Carsrud, 1993) پیشنهاد می‌کنند که نیت کارآفرینی بهترین متغیر پیشگو برای رفتار کارآفرینانه می‌باشد. همچنین بحث‌های زیادی روی این مورد صورت گرفته است که افرادی که دارای نیت کارآفرینی برای شروع یک کسب و کار می‌باشند نسبت به افراد بدون نیت اولیه، در فرایند خوداشتغالی و راه‌اندازی یک کسب و کار بسیار بیشتر پیشرفت می‌کنند زیرا آمادگی آن‌ها بیشتر است. بنابراین قصد و تصمیم به کارآفرینی اولین قدم در فرایند کارآفرینی و بروز رفتارهای کارآفرینانه است (Heinonen et al., 2005). بنابراین نقش نیت کارآفرینی برای کارآفرین شدن و خوداشتغالی بسیار بارز می‌باشد. با توجه به این امر در این تحقیق از رهیافت نیت محور^۲ در کارآفرینی استفاده شده است که با توجه به این رهیافت، تمرکز تحقیق بر روی مرحله تصمیم برای ایجاد یک کسب و کار یا همان نیت کارآفرینی و کارآفرینان در حال ظهور^۳ یعنی افرادی که تصمیم به خوداشتغالی دارند، می‌باشد.

کسب و کارهای مستقل که توسط کارآفرین بنیان‌گذاری می‌شود، مهم‌ترین نوع کارآفرینی مورد بحث در ادبیات مرسوم کارآفرینی است که ویژگی آن، مدیریت مالک، سادگی فعالیت‌های اجرایی و معمولاً حجم کوچک و نوپا بودن کسب و کار است. در این شرایط، کارآفرینی به معنای ایجاد ساختاری ملموس برای یک کسب و کار است (مقیم و احمدپور داریانی، ۱۳۸۷). بر اساس این امر در تحقیق حاضر کارآفرینی به عنوان فرایند ایجاد یک کسب و کار توسط فرد و خوداشتغالی در نظر گرفته شده است، با این دیدگاه که خوداشتغالی به عنوان یکی از راه‌آوردهای مهم کارآفرینی می‌باشد.

¹ Entrepreneurial intention

² Intention-based approach

³ Nascent entrepreneurs

در خوداشتغالی افراد در استخدام کارفرمای معینی نیستند و مستقل و آزاد برای خود کار می‌کنند. در این بخش افراد با اتکا به توان شخصی، ابتکار و خلاقیت خود به کارهای تولیدی یا خدماتی و در نتیجه کسب درآمد می‌پردازند. این گونه اشتغال، فرد را به تدریج آماده کسب توانایی‌های لازم برای ورود به فعالیت‌های بزرگتر و گسترده‌تر می‌نماید (معاونت اشتغال، ۱۳۷۹). مطالعاتی در خصوص محرک‌ها و موانع کارآفرینی و خوداشتغالی افراد مستعد کارآفرینی صورت گرفته است که در زیر به نتایج برخی از این مطالعات اشاره می‌گردد.

تئوری نیاز به پیشرفت مک کله‌لند (McLelland, 1961) بیان می‌دارد که انگیزه پیشرفت به طور قوی افراد را به شروع یک کسب و کار برمی‌انگیزد. کولورید (Kolvereid, 1996) در مطالعه خود، تمایل به داشتن کار مهیج، رئیس خود بودن، داشتن قدرت تصمیم‌گیری و دخالت داشتن در کل فرایند شغلی را از عوامل برانگیزاننده نیت کارآفرینی عنوان نموده است. یافته‌های مطالعات بیرد (Bird, 1989) و ولری و همکاران (Volery et al., 1997)، بیانگر آن است که کارآفرینان بالقوه توسط عوامل ذاتی (رئیس خود بودن، داشتن مسئولیت و کنترل بیشتر بر کسب و کار)، عوامل خارجی (پاداش‌های مالی یا پاداش‌های محسوس دیگر) برانگیخته می‌شوند. همچنین از فرصت برای سرمایه‌گذاری اندوخته‌های شخصی به عنوان یک محرک مهم برای شروع یک کسب و کار یاد کرده‌اند. چو و وانگ (Choo & Wong, 2006) در تحقیق خود برخی از عوامل ایجاد انگیزه جهت شروع یک کسب و کار توسط کارآفرینان بالقوه را داشتن یک شغل جذاب، سهم بیشتری از منافع را دارا شدن، رئیس خود بودن، کسب پول بیشتر، دریافت حقوقی که شایسته فرد است، فراهم کردن یک بازنشستگی راحت و تحقق رویاها عنوان کرده‌اند. همچنین برخی از موانع ایجاد یک کسب و کار را فقدان اعتماد، فقدان مهارت و فقدان سرمایه بیان کرده‌اند. ترن‌بال و همکاران (Turnbull et al., 2001)، انگیزه‌های مهم جهت شروع یک کسب و کار را فرصت برای آزادی، سودهای مالی، امنیت شغلی و کنترل شغل توسط خود ذکر کرده‌اند. رابرتسون و همکاران (Robertson et al., 2003) و هندرسون و رابرتسون (Henderson & Robertson, 1999) در تحقیقات خود در خصوص موانع شروع یک کسب و کار، به ترس از شکست، کسب سرمایه اولیه، مالیات، فقدان مهارت‌های مدیریتی و بازاریابی اشاره کرده‌اند. فینرتی و کرزیستوفیک (Finnerty & Krzystofik, 1985) در مطالعه خود به این نتیجه رسیدند که بین افرادی که یک کسب و کار جدید را آغاز کرده‌اند و آن‌هایی که اقدامی نکرده‌اند از نظر اطمینان از امنیت شغلی و وضعیت اقتصادی جامعه در آینده و حمایت‌های خانوادگی تفاوت معنی‌داری وجود دارد. مطالعه حسینی و همکاران (Hosseini et al, 2008) بیانگر آن است که فقدان و یا کمبود دانش و مهارت سبب ایجاد ضعف و ناتوانی فرد برای عملیاتی ساختن ایده کسب و کار خود می‌شود. بر اساس گزارش خبرگزاری اقتصادی ایران (۱۳۸۷)، ترس نسبت به از دست دادن سرمایه و پس‌انداز خود از عوامل مهم ضد انگیزشی کارآفرینی است که این مورد خود ناشی از نامناسب بودن شرایط اقتصادی کشور و بالا بودن ریسک اقتصادی است. با توجه به مطالب ذکر شده، تحقیق حاضر با هدف کلی شناسایی عوامل انگیزشی و بازدارنده کلیدی در خوداشتغالی و ایجاد یک کسب و کار جدید در میان دانشجویان آموزش‌دیده‌های کشاورزی استان تهران، به دنبال دستیابی به اهداف اختصاصی زیر می‌باشد:

۱. بررسی ویژگی‌های فردی دانشجویان مورد بررسی
۲. بررسی نیت کارآفرینی در میان دانشجویان مورد بررسی
۳. اولویت‌بندی عوامل انگیزشی و بازدارنده خوداشتغالی از دیدگاه دانشجویان
۴. تحلیل عاملی عوامل انگیزشی و بازدارنده خوداشتغالی

روش پژوهش

این تحقیق از نظر ماهیت از نوع پژوهش‌های کمی، از نظر میزان کنترل متغیرها از نوع غیرآزمایشی و از نظر هدف در زمره تحقیقات کاربردی و از جهت روش جمع‌آوری اطلاعات از نوع پیمایشی بوده است. جامعه آماری این تحقیق کلیه دانشجویان سال آخر آموزشکده‌های کشاورزی استان تهران در سال تحصیلی ۸۸-۱۳۸۷ به تعداد ۲۸۶ نفر را در بر گرفت که سه آموزشکده کشاورزی شهریار، دماوند و پاکدشت را شامل شد. نمونه آماری این پژوهش را ۹۰ نفر از این دانشجویان تشکیل داده است که با استفاده از فرمول کوکران و به روش نمونه‌گیری تصادفی متناسب انتخاب شدند. ابزار اصلی تحقیق برای جمع‌آوری اطلاعات، پرسشنامه بود. روایی ابزار تحقیق با استفاده از نظر متخصصان و پس از انجام اصلاحات لازم تعیین شد. همچنین جهت تعیین پایایی ابزار تحقیق، از ضریب آلفای کرونباخ، استفاده شد که برای هر یک از بخش‌های پرسشنامه بالای ۰/۷ به دست آمد که نشان‌دهنده پایایی قابل قبول آن می‌باشد. بدین ترتیب محتوای پرسشنامه مورد تأیید و در اختیار پاسخگویان قرار داده شد. جهت سنجش نیت کارآفرینی از ۴ گویه در طیف لیکرت (من ایجاد یک کسب و کار را در آینده برای خود مشخص کرده‌ام، من به طور خیلی جدی به شروع یک کسب و کار فکر می‌کنم، من هر تلاشی را برای شروع و راه‌اندازی کسب و کار خودم خواهم کرد، هدف شغلی من کارآفرین شدن می‌باشد) که در مطالعات چن و همکاران (Chen et al., 1998)، لینان و چن (Linan & Chen, 2006) و ژاو و همکاران (Zhao et al., 2005) به کار گرفته شده بود استفاده گردید. از مجموع امتیازهای کسب شده در هر گویه، میزان نیت کارآفرینی دانشجویان مورد مطالعه به دست آمد. در نهایت دانشجویان بر اساس میزان نیت کارآفرینی در ۴ طبقه شامل با نیت کارآفرینی پایین، نسبتاً پایین، بالا و نسبتاً بالا با استفاده از فرمول زیر دسته‌بندی شدند:

میانگین - انحراف معیار $<A>$ حداقل: پایین

میانگین $<A>$ میانگین - انحراف معیار: نسبتاً پایین

میانگین + انحراف معیار $<A>$ میانگین: بالا

حداکثر $<A>$ میانگین + انحراف معیار: نسبتاً بالا

با استفاده از گویه‌های به دست آمده از مرور تحقیقات گذشته و با انجام پیش‌آزمون به منظور حذف گویه‌های نامناسب، جهت تعیین عوامل انگیزشی در خوداشتغالی دانشجویان، ۱۱ گویه و جهت تعیین عوامل بازدارنده ۱۲ گویه، در نظر گرفته شد. سپس با استفاده از طیف لیکرت (با پاسخ‌های خیلی کم تا خیلی زیاد) در معرض پاسخگویان قرار گرفتند. به منظور دسته‌بندی و تلخیص گویه‌ها در عوامل کوچکتر، از تحلیل عاملی استفاده گردید. همچنین گویه‌های عوامل انگیزشی و بازدارنده، با استفاده از آماره‌های توصیفی نظیر میانگین، انحراف معیار و ضریب تغییرات، اولویت‌بندی و گزارش گردیدند. به منظور انجام پردازش و تحلیل اطلاعات از نرم‌افزار آماری spss استفاده شد.

نتایج و بحث

ویژگی‌های فردی دانشجویان مورد بررسی

بر اساس یافته‌های تحقیق، میانگین سنی افراد مورد مطالعه ۲۰ سال، حداقل سن ۱۹ سال و حداکثر آن ۳۱ سال بوده است. تمامی دانشجویان آموزشکده‌های کشاورزی استان تهران را مردان تشکیل می‌دهند و در زمان انجام تحقیق، دانشجویان سال آخر آموزشکده‌های مورد مطالعه که جامعه آماری تحقیق را شامل می‌شدند در مقطع کاردانی مشغول به تحصیل بودند. بنابراین نمونه مورد بررسی از نظر جنسیت و مقطع تحصیلی یکنواخت بوده است. ۸۴/۴٪ از پاسخگویان دارای پدرانی خوداشتغال و ۱۳٪ از آن‌ها دارای مادرانی خوداشتغال بوده‌اند. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که ۱۴/۴٪ از پاسخگویان هیچگونه تجربه شغلی نداشتند. همچنین تجربه شغلی سایر پاسخگویان به ترتیب ۷/۸٪، ۱۳/۳٪، ۳۱/۱٪، ۲۵/۶٪ و ۷/۸٪، در سطح خیلی کم، کم، تا حدودی، زیاد و خیلی زیاد، بوده است.

نیت کارآفرینی در میان دانشجویان مورد بررسی

با توجه به نتایج جدول (۱)، میزان نیت کارآفرینی ۱۶ نفر از دانشجویان (۱۷/۸ درصد) پایین می‌باشد، ۱۹ نفر (۲۱/۱ درصد) از آن‌ها نیت کارآفرینی نسبتاً پایین و ۳۹ نفر (۴۳/۳ درصد) از دانشجویان که بیشترین فراوانی را به خود اختصاص داده‌اند نیت کارآفرینی نسبتاً بالایی دارند. میزان نیت کارآفرینی ۱۶ نفر (۱۷/۸ درصد) از آن‌ها نیز بالا می‌باشد.

جدول ۱- توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب میزان نیت کارآفرینی

میزان نیت کارآفرینی	فراوانی	درصد
پایین (۶-۱۴/۲۶)	۱۶	۱۷/۸
نسبتاً پایین (۱۴/۲۷-۱۶/۹۳)	۱۹	۲۱/۱
نسبتاً بالا (۱۶/۹۴-۱۹/۶۰)	۳۹	۴۳/۳
بالا (۱۹/۶۱-۲۰)	۱۶	۱۷/۸
جمع	۹۰	۱۰۰

بیشینه: ۲۰ کمینه: ۶ انحراف معیار: ۲/۶۷ میانگین: ۱۶/۹۳ دامنه امتیاز: ۲۰-۴

اولویت‌بندی عوامل انگیزشی خوداشتغالی از دیدگاه دانشجویان

با توجه به نتایج جدول (۲)، گویه‌های ارتقاء موقعیت اجتماعی، دستیابی به سهم بالایی از نتایج حاصل از فعالیت و داشتن یک شغل جذاب و مهیج با کمترین ضریب تغییرات از محرک‌های مهم جهت خوداشتغالی به شمار می‌آیند. این یافته‌ها با تئوری نیاز به پیشرفت مک‌کله‌لند (McLelland, 1961) و تحقیق کولورید (Kolvereid, 1996) که تمایل به داشتن کار مهیج را از عوامل مهم انگیزشی نیت کارآفرینی ذکر نموده است، مطابق می‌باشد. همچنین ترن‌بال و همکاران (Turnbull et al., 2001)، سودهای مالی را از عوامل انگیزشی مهم عنوان کرده‌اند که این نتیجه مطابق با در اولویت بالا قرار گرفتن گویه دستیابی به سهم بالایی از نتایج حاصل از فعالیت می‌باشد. همچنین از دیدگاه دانشجویان، فراهم شدن بازنشستگی راحت و دخالت داشتن در کل فرایندهای شغلی، نسبت به سایر محرک‌ها از ارزش پایین‌تری برخوردارند. به طور کلی، اهمیت گویه‌ها به جزء در دو مورد انتهایی، در حد زیاد (میانگین ۴ از ۵) برآورد شده است.

جدول ۲- اولویت‌بندی عوامل انگیزشی خوداشتغالی از دیدگاه دانشجویان

اولویت	ضریب تغییرات	انحراف معیار	میانگین [‡]	عوامل انگیزشی
۱	۰/۱۵۵	۰/۶۸۴	۴/۴۰	ارتقاء موقعیت اجتماعی
۲	۰/۱۷۸	۰/۷۴۸	۴/۱۹	دستیابی به سهم بالایی از نتایج حاصل از فعالیت
۳	۰/۱۷۹	۰/۷۸۳	۴/۳۶	داشتن یک شغل جذاب و مهیج
۴	۰/۱۸۳	۰/۷۹۶	۴/۳۴	استفاده از فرصت‌های اقتصادی بیشتر
۵	۰/۲۰۲	۰/۸۷۶	۴/۳۴	رئیس خود بودن
۵	۰/۲۰۲	۰/۸۷۴	۴/۳۳	داشتن آزادی عمل و قدرت تصمیم‌گیری
۶	۰/۲۰۳	۰/۸۴۲	۴/۱۴	دست پیدا کردن به درآمدی که شایسته فرد است
۷	۰/۲۰۴	۰/۸۶۲	۴/۲۳	تحقق رویاهای فرد
۸	۰/۲۱۴	۰/۸۹۴	۴/۱۸	وارد کردن اندوخته‌های شخصی در سرمایه‌گذاری
۹	۰/۳۲۷	۱/۱۱	۳/۳۹	فراهم شدن بازنشستگی راحت
۱۰	۰/۳۹۳	۱/۲۲	۳/۱۰	دخالت داشتن در کل فرایندهای شغلی

[‡] دامنه میانگین می‌تواند بین ۱ تا ۵ متغیر باشد.

اولویت‌بندی عوامل بازدارنده خوداشتغالی از دیدگاه دانشجویان

با توجه به نتایج جدول (۳)، گویه‌های وضعیت نامناسب اقتصادی جامعه، نبود مهارت‌های بازاریابی و مدیریتی و عدم اطمینان نسبت به آینده شغلی با کمترین ضریب تغییرات از موانع مهم جهت خوداشتغالی به شمار می‌آیند. در تحقیق رابرتسون و همکاران (Robertson et al, 2003) نیز فقدان مهارت‌های مدیریتی و بازاریابی به عنوان موانع مهم شروع یک کسب و کار ذکر شده است. همچنین فینرتی و کرزیستوفیک (Finnerty & Krzystofik, 1985) در تحقیق خود از موانع شروع یک کسب و کار، به عدم اطمینان از امنیت شغلی و وضعیت اقتصادی جامعه در آینده اشاره کرده‌اند.

جدول ۳- اولویت‌بندی عوامل بازدارنده خوداشتغالی از دیدگاه دانشجویان

اولویت	ضریب تغییرات	انحراف معیار	میانگین [‡]	عوامل بازدارنده
۱	۰/۳۲۷	۱/۱۷	۳/۵۶	وضعیت نامناسب اقتصادی جامعه
۲	۰/۴۳۶	۱/۳۲	۳/۰۳	نبود مهارت‌های بازاریابی و مدیریتی
۳	۰/۴۴۹	۱/۳۸	۳/۰۷	عدم اطمینان نسبت به آینده شغلی
۴	۰/۴۵۱	۱/۳۹	۳/۰۸	نبود اطلاعات در مورد چگونگی آغاز یک کسب و کار
۵	۰/۴۵۷	۱/۳۹	۳/۰۴	پیدا نکردن نیروی کار شایسته
۶	۰/۴۶۸	۱/۳۴	۲/۸۶	متقاعد کردن دیگران که ایده مورد نظر یک ایده خوب است
۶	۰/۴۶۸	۱/۵۶	۳/۳۳	نبود سرمایه اولیه

۷	۰/۴۷۸	۱/۵۱	۳/۱۶	نبود حمایت از سوی خانواده
۸	۰/۵۱۹	۱/۶	۳/۰۸	مالیات‌های بالا
۹	۰/۶۲۷	۱/۵۵	۲/۴۷	ترس از شکست

† دامنه میانگین می‌تواند بین ۱ تا ۵ متغیر باشد.

تحلیل عاملی عوامل انگیزشی خوداشتغالی

به منظور تلخیص گویه‌های مربوط به عوامل انگیزشی دانشجویان آموزش‌دهنده‌های کشاورزی جهت خوداشتغالی، از تحلیل عاملی استفاده شد. محاسبات آماری اولیه بیانگر مناسب بودن داده‌ها برای تحلیل عاملی بود، به طوری که مقدار KMO، ۰/۶۴ به دست آمد و آزمون بارتلت نیز در سطح یک درصد خطا معنی‌دار شد. در این بررسی دو عامل با مقادیر ویژه بالاتر از یک استخراج و متغیرهای مربوطه بر اساس بار عاملی و پس از چرخش عاملی متعامد با روش وریماکس، در این عوامل دسته‌بندی شدند. در مجموع این دو عامل ۴۳/۶٪ از کل واریانس مربوط به عوامل انگیزشی را به خود اختصاص دادند. عامل اول که بیشترین مقدار ویژه را به خود اختصاص داده است با واریانس تبیین ۲۳/۱٪، "انگیزه‌های روانشناختی" و عامل دوم با واریانس تبیین ۲۰/۵٪، "انگیزه‌های مالی - شغلی" نامگذاری شدند (جدول ۴). این یافته‌ها با نتایج حاصل از تحقیقات بیرد (Bird, 1989) و ولری و همکاران (Volery et al., 1997)، که عوامل انگیزشی برای ایجاد کسب و کار توسط کارآفرینان بالقوه را به دو دسته عوامل ذاتی (از جمله رئیس خود بودن) و عوامل خارجی (پاداش‌های مالی یا پاداش‌های محسوس دیگر) طبقه‌بندی نموده‌اند، مطابقت دارد.

جدول ۴- تحلیل عاملی عوامل انگیزشی خوداشتغالی

ردیف	نام عامل‌ها	گویه‌ها	بار عاملی	مقدار ویژه عامل	واریانس تبیین شده	واریانس تجمعی
۱	انگیزه‌های روانشناختی	ارتقاء موقعیت اجتماعی	۰/۶۳۱	۲/۱	۲۳/۱	
		داشتن آزادی عمل و قدرت تصمیم‌گیری	۰/۶۰۱			
		تحقق رویاهای فرد	۰/۵۹۷			
		رئیس خود بودن	۰/۵۵۲			
		فراهم شدن بازنشستگی راحت	۰/۵۲۴			
۲	انگیزه‌های مالی - شغلی	استفاده از فرصت‌های اقتصادی بیشتر	۰/۷۳۶	۱/۸	۲۰/۵	۴۳/۶
		دستیابی به سهم بالایی از نتایج حاصل از فعالیت	۰/۶۵۰			
		وارد کردن اندوخته‌های شخصی در سرمایه‌گذاری	۰/۶۲۷			
		دست پیدا کردن به درآمدی که شایسته فرد است	۰/۶۲۶			
		دخالتم داشتن در کل فرایندهای شغلی	۰/۶۱۹			
		داشتن یک شغل جذاب و مهیج	۰/۶۱۵			

تحلیل عاملی عوامل بازدارنده خوداشتغالی

به منظور تلخیص گویه‌های مربوط به عوامل بازدارنده اصلی دانشجویان آموزش‌دهنده‌های کشاورزی جهت خوداشتغالی، نیز از تحلیل عاملی متعامد به روش وریماکس استفاده شد. مقدار KMO، $0/76$ ، و معنی‌داری آزمون بارتلت در سطح یک درصد خطا، نشان داد که داده‌ها جهت انجام تحلیل عاملی مناسب بودند. یافته‌های تحقیق نشان داد که بر اساس برآورد مقدار ویژه متغیرها و مشخصات عامل‌های استخراج شده، سه عامل دارای مقدار ویژه بزرگتر از یک بودند؛ چنین بر می‌آید که سه عامل اصلی را می‌توان برای تبیین متغیرهای عوامل بازدارنده قائل شد. این سه عامل در مجموع، $60/4\%$ درصد واریانس کل متغیرها را به خود اختصاص دادند. عامل اول که بیشترین مقدار ویژه را به خود اختصاص داده است با واریانس تبیین $21/8\%$ ، "فقدان مهارت و سرمایه"، عامل دوم با واریانس تبیین $19/9\%$ ، "فقدان اعتماد فردی و اجتماعی لازم" و عامل سوم با واریانس تبیین $18/7\%$ ، "عدم پایداری شرایط جامعه" نامگذاری شدند (جدول ۵). این یافته‌ها، مطابق با نتایج حاصل از تحقیق چو و وانگ (Choo & Wong, 2006) که موانع ایجاد یک کسب و کار توسط کارآفرینان بالقوه را فقدان اعتماد، فقدان مهارت و فقدان سرمایه بیان کرده‌اند، می‌باشد. همچنین حسینی و همکاران (Hosseini et al, 2008) نیز در مطالعه خود به کمبود دانش و مهارت به عنوان عوامل ایجاد ضعف و ناتوانی فرد برای عملیاتی ساختن ایده کسب و کار خود اشاره کرده‌اند.

جدول ۵- تحلیل عاملی عوامل بازدارنده در خوداشتغالی

ردیف	نام عامل‌ها	گویه‌ها	بار عاملی	مقدار ویژه عامل	واریانس تبیین شده	واریانس جمععی
۱	فقدان مهارت و سرمایه	نبود مهارت‌های بازاریابی و مدیریتی نبود سرمایه اولیه نبود اطلاعات در مورد چگونگی آغاز یک کسب و کار	$0/762$ $0/622$ $0/523$	$2/18$	$21/8$	$21/8$
۲	فقدان اعتماد فردی و اجتماعی لازم	متقاعد کردن دیگران که ایده مورد نظر یک ایده خوب است نبود حمایت از سوی خانواده پیدا نکردن نیروی کار شایسته ترس از شکست	$0/782$ $0/738$ $0/717$ $0/683$	$1/99$	$19/9$	$41/7$
۳	عدم پایداری شرایط جامعه	وضعیت نامناسب اقتصادی جامعه مالیات‌های بالا عدم اطمینان نسبت به آینده شغلی	$0/797$ $0/608$ $0/491$	$1/87$	$18/7$	$60/4$

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

مطالعه حاضر پاسخی را به چگونگی شروع یک کسب و کار و موفقیت در آن فراهم نمی‌کند بلکه یک راهنمایی سودمندی را برای سیاست‌گذاران جامعه در تداوم تلاش‌هایشان برای تسهیل یک تغییر حرکت روان برای دانشجویان با پتانسیل کارآفرینی جهت ایجاد یک کسب و کار یا به نوعی کارآفرینان در حال ظهور فراهم می‌کند. نتایج حاصله بیانگر آن است که میانگین نیت کارآفرینی در میان دانشجویان مورد مطالعه تفاوت زیادی با حداکثر میزان آن ندارد، بنابراین روح کارآفرینی در افراد مورد مطالعه زنده است، دولت می‌تواند نقش تسهیلگری خود را در ایجاد سه محیط

تنظیمی، شناختی و هنجاری به خوبی ایفا نماید تا این پتانسیل بالفعل شود. از آن جایی که پشتیبانی مالی یکی از معمول‌ترین رویکردها برای ارتقاء کارآفرینی و خوداشتغالی در سراسر جهان است، دولت می‌تواند با ارائه پشتیبانی مالی محیط تنظیمی خود را برای کارآفرینی بهبود دهد. دولت می‌تواند با اعطاء تسهیلات جهت راه‌اندازی کسب و کار کوچک و تاسیس صندوق‌های ضمانت اعتباری کارآفرینان، مانع فقدان سرمایه اولیه جهت راه‌اندازی یک کسب و کار را، برای افراد دارای ایده و روحیه کارآفرینی مرتفع نماید. همچنین با سیاست‌های تنظیمی دیگر همچون اعطاء تسهیلات به کسب و کارهای در حال راه‌اندازی و به کسب و کارهای مشکل‌دار و ورشکسته برای رونق مجدد، می‌تواند تا حدی مانع ترس از شکست و عدم اطمینان نسبت به آینده شغلی را از میان بردارد. به طور حتم اطمینان و ثبات در سیاست‌های دولت علاقه و گرایش افراد دارای نیت کارآفرینی را به تدوین راهبردهای بلندمدت افزایش خواهد داد.

با توجه به این که افراد مورد مطالعه، فقدان مهارت‌های کارآفرینی از جمله مهارت‌های بازاریابی و مدیریتی و همچنین نبود اطلاعات در مورد چگونگی آغاز یک کسب و کار را از جمله عوامل بازدارنده با اولویت بالا بیان کرده‌اند، بنابراین با برگزاری دوره‌ها و برنامه‌های آموزشی از طریق آموزشکده‌های کشاورزی می‌توان محیط شناختی را بهبود داد. بدین ترتیب می‌توان دانش و مهارت لازم برای دانشجویان بالاخص دانشجویان با ایده و روحیه کارآفرینی بالا جهت راه‌اندازی یک کسب و کار کوچک را ارتقاء بخشید. در جامعه دانش محور، افزایش مستمر دانش و مهارت افراد برای ادامه فعالیت و زندگی اجتناب‌ناپذیر است. از این رو آموزش کارآفرینی، به عنوان یک عامل اساسی، هم به مثابه ابزار ایجاد اشتغال و هم به عنوان ابزار افزایش رشد اقتصادی باید مورد توجه قرار گیرد.

از آن جایی که برنامه‌های معطوف به دیدگاه جامعه نسبت به کارآفرینان می‌تواند محیط هنجاری یک کشور را تحت تأثیر قرار دهد، بنابراین می‌توان با تدوین برنامه‌های فرهنگی، نگرش عمومی نسبت به کارآفرینی و کسب و کارهای کوچک را بهبود داد. این امر نه تنها دانشجویان و دانش‌آموختگان، بلکه سایر گروه‌های جامعه که به نوعی با مخاطبان اصلی درگیر می‌باشند از جمله خانواده‌ها که حمایت آن‌ها می‌تواند در بالفعل کردن پتانسیل کارآفرینی متمر ثمر باشد را تحت تأثیر قرار می‌دهد. در شرایط حاضر نه تنها محیط خانواده، مدرسه و جامعه جوانان را به سمت حرفه‌های با درآمد مطمئن و بدون ریسک سوق می‌دهد بلکه به صورت یک عامل ضد انگیزشی، از فعالیت‌های کارآفرینانه آن‌ها نیز جلوگیری به عمل می‌آورند. سیاست‌های حمایتی دولت که با تشویق کارآفرینی، مشاوره و آموزش به دنبال گسترش و حمایت از کسب و کارهای کوچک است، سبب می‌شود که کارآفرینی و خوداشتغالی به عنوان یک هنجار پذیرفته شود.

منابع مورد استفاده

بستاکی، م، (۱۳۸۷). اشتغال، کارآفرینی و آموزش‌های علمی کاربردی در بخش کشاورزی، چکیده مقالات همایش ملی توسعه کارآفرینی در آموزش‌های علمی کاربردی کشاورزی، موسسه آموزش علمی کاربردی جهاد کشاورزی، مشهد، صفحه ۲۱-۲۲.

خبرگزاری اقتصادی ایران، (۱۳۸۷). نگاهی به عوامل ضد انگیزشی کارآفرینی در ایران، در دسترس در:

http://www.aftab.ir/articles/economy_marketing_business/job/c2c1210310850_entrepreneurship_p1.php

معاونت اشتغال، (۱۳۷۹). تعاریف و مفاهیم مرتبط با بازار کار، وزارت کار و امور اجتماعی، تهران.

مقیمی، م و احمدپور داریانی، م. (۱۳۸۷). آموزش کارآفرینی در کسب و کارهای کوچک و متوسط ایران: نیازها و راهکارها، مجله توسعه کارآفرینی، ۱ (۱): ۲۰۷-۲۴۵.

- Chen, C. C., Greene, P. G. and Crick, A. (1998). Does entrepreneurial self-efficacy distinguish entrepreneurs from managers?, *Journal of Business Venturing*, 13 (4): 295-316.
- Choo, S. and Wong, M. (2006). Entrepreneurial intention: triggers and barriers to new venture creations in Singapore. *Journal of Singapore Management Review*, 9 (2), Available at: http://findarticles.com/p/articles/mi_qa5321/is_200607/ai_n21393781/
- Clark, B. R. (1998). The Entrepreneurial University Demand and Response: Theory and Practice. *Tertiary Education Management*, 4 (1): 5-16.
- Katz, J. and Gartner, W. B. (1988). Properties of Emerging Organizations, *Academy of Management Review*, 13 (3): 429-441.
- Finnerty, J. and Krzystofik, A. T. (1985). Barriers to Small Business Formation. *Journal of Small Business Management*, 23 (3): 50-58.
- Henderson, R. and Robertson, M. (1999). Who wants to be an entrepreneur? Young attitudes to entrepreneurship as a career, *Education and Training*, 41 (5): 236-45.
- Heinonen, J., Poikkijoki, S. A. and Vento, V. I. (2005). Entrepreneurship- an opportunity for academics: a case study of a training program for bioscience researcher, *Turku School of Economics and Business Administration, Small Business Institute, Finland*.
- Hosseini, M., Kalantari, Kh. and Eskandari, F. (2008). The role of Iranian higher education system on entrepreneurial success of its graduates: some policy implications for entrepreneurship education, *American-Eurasian J. Agric. & Environ. Sci.*, 3 (3): 394-402.
- Krueger, N. F. and Carsrud, A. L. (1993). Entrepreneurial Intentions: Applying the Theory of Planned Behavior. *Entrepreneurial and Regional Development*, 5: 315-330.
- Linan, F. and Chen, Y. (2006). Testing the Entrepreneurial Intention Model on a Two-Country Sample. Document de Treball núm. Departament d'Economia de l'Empresa, Nniversitat Autònoma de Barcelona.
- McClelland, D. (1961). *The Achieving society*, Princeton, NJ: Van Nostrand.
- Robertson, M., Collins, A., Medeira, N. and Slater, J. (2003). Barriers to start-up and their effect on aspirant entrepreneurs. *Education and Training*, 45 (6): 308-316.
- Turnbull, A., Williams, S., Paddison, A. and Fahad, G. (2001). Entrepreneurship education, does it work?, in Anderson, A. R., Jack, S. L. (Eds), *Enterprise and Learning*, University of Aberdeen, Aberdeen.
- Volery, T., Doss, N., Mazzarol, T. and Thein, V. (1997). Triggers and barriers affecting entrepreneurial intentionality: The case of western Australian nascent entrepreneurs. 42nd ICSB World Conference. June 21-24, San Francisco.
- Zhao, H., Hills, G. E. and Seibert, S. E. (2005). The mediating role of self-efficacy in the development of entrepreneurial intentions, *Journal of Applied Psychology*, 90 (6): 1265-1272.

Self-employment in Students of Agricultural Higher Techno-Vocational Centers in Tehran Province: Incentives and Barriers

Abstract

This study identifies incentives and barriers to self-employment among students of agricultural higher techno-vocational centers. The intention-based approach in entrepreneurship was used to conduct the study as the analysis focused on the decision stage, i.e. the intention and nascent entrepreneurs who wished to become self-employed. The statistical population of study consisted of 286 last-year undergraduate students in academic year 2008-2009 from agricultural higher techno-vocational education centers in Tehran province, including Damavand, Shahryar, and Pakdasht districts. 90 students determined as sample size using proportional random sampling method. The findings of factor analysis indicate the incentives to self-employment among students include psychological and financial-job motivations that accounted for 43.6% of this variance. Moreover, lack of fund and skill, lack of individual / social confidence, and instability of society conditions accounted for 60.4% of the foregoing variance, too.

Key words: Unemployment; Entrepreneurship; Entrepreneurial intention; Incentives and barriers to self-employment.